

# امپراتور و آنجلو

Emperor & Anjello

نویسنده :

ایوب آقاخانی

آدمها :

هونسو ترون ( امپراتور )

مریم به نژاد ( آنجلو )

و صدای یک زن ...

تذکر :

«هرگونه نقص در گرامر جملات انگلیس عامدانه و خوردِ دانش کاراکتر

هاست.»

به نام یگانه هنرمند

شمال کالیفرنیا - جنوب اوکلند

صحنه :

فضای بیرونی یک «مدرسه بزرگسالان» (*adult school*) که ویژه آموزش زبان انگلیس به مهاجران است.

گوشه‌ای خلوت و بی آدم؛ که می‌تواند سکنجی باشد باسطل زیاله  
شهرداری کنار دیوار؛ هرچه بریده‌تر و مجردتر، بهتر!

زمان :

مارچ ۲۰۰۷

## صحنه اول

کتاب من ! زخم من !

***My book! My wound!***

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می شود که بی شباهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست؛ و متعاقب آن از بلندگو شنیده می شود که زنی اعلام می کند:)

صدا

### ***Attention Please! Break Time, Thirty Minutes !***

(نور بر صحنه گشوده می شود. سطل زباله کنار دیوار است و دیوار آجری مدرسه، چندان تمیز و نو به نظر نمی رسد. «هونسو ترون» خسته از تحمل یک درد طولانی وارد شده، با چهره‌ای درهم و خسته و درد آلود، گوشه‌ای تکیه می دهد و سیگاری آتش می زند. او یک سیاهپوست نسبتاً درشت هیکل چهل ساله است. تمام مدت دستش را به پهلویش گرفته و صورتش درهم است. هر از گاهی نگاهی به چپ و راست می کند و باز در خود فرو می رود و سیگار می کشد. او کتابی زیر بغل دارد. آن را به دست می گیرد. نگاهی به آن می کند. پوزخندی می زند. درد در چهره اش می دود. عصبی، از سر درد کتاب را با ناله ای پرت می کند. همزمان با ناله و پرتاب او، «مریم به نژاد» که او نیز زنی در حدود چهل سالگی به نظر می رسد - با رنگی از جاذبه و زیبایی زنانه، اما نه چندان

آراسته - وارد شده و پنهان از چشم «هونسو»، گوشه‌ای می‌ایستد. لحظاتی حال و روزش را برانداز می‌کند! نگاهی به «هونسو» و نگاهی به کتاب ویران شده‌اش بر زمین - که کتاب آموزش زبان همان مدرسه است - می‌کند. «هونسو» متوجه او نیست. چشمانش را می‌بندد و درد آلود، کم کمک می‌نشیند و سر به گریبان فرو می‌برد. «مریم» که احساس می‌کند نگاه «هونسو» به طرف او نیست، با عجله به طرف کتاب منهدم «هونسو» می‌رود و برش می‌دارد. نشسته، ورق می‌زند. کمی از ریخت افتاده است. «هونسو» سر بلند می‌کند. او را می‌بیند.

### هونسو

Hey! (هی!)

«مریم» به سرعت از جا می‌جهد. ترسیده لبخند می‌زند. «هونسو» ساکت به او خیره است. «مریم» بار دیگر لبخندی می‌زند.

### هونسو

(به کتاب اشاره می‌کند)

Mine! (مال من!)

«مریم» گنگ نگاهش می‌کند. «هونسو» تکرار می‌کند.

### هونسو

Mine!

«مریم» که گویی تازه دریافته، لبخندی می‌زند و زیر لب چیزی می‌گوید.

### مریم

می دونم

هونسو

*Mine!*

(اشاره می کند.)

*Book!*

(«مریم» چند گامی به طرفش می رود.)

مریم

*I know! I know!* (می دونم! می دونم!)

(«مریم» دستپاچه کتاب را به طرف «هونسو» می گیرد. «هونسو» کتاب را می گیرد و به زحمت بلند می شود؛ تلاش دارد دردش را پنهان کند. «مریم» با لبخند به او خیره است. «هونسو» معذب نگاهش می کند. «مریم» سر تکان می دهد که یعنی «چه شده؟». «هونسو» بی اعتناء سری تکان می دهد که یعنی «هیچی!». «مریم» به طرف او گامی بر می دارد و به سمت پهلویش دست دراز می کند تا اگر «هونسو» اجازه دهد دستش را از پهلویش بلند کند. «هونسو» مشکوک و مردد به او خیره است و دستش را بر نمی دارد. «مریم» محتاط گامی پس می گذارد. لبخندی می زند و دوباره دستش را پیش می برد.)

مریم

*May i ... ?* (ممکنه ... ؟)

(«هونسو» خیره به صورت «مریم» دستش را به نرمی بلند می کند. گوشه پیراهن «هونسو» سرخ است. «مریم» آشکارا ترسیده. بی اختیار گامی پس می گذارد.)

## مریم

خون؟! چی شده؟

«مریم» با حرکات اغراق آمیز دست می‌خواهد حرفش را - در حالی که خود دستپاچه است - به «هونسو» حالی کند.

## مریم

بین! همینجا بمون! خب؟ بمون! همینجا! *Here!*

میام! گفتم تو کلاس می‌پیچیدی به خودت! میام!

«مریم» با عجله خارج می‌شود. «هونسو» از رفتار «مریم» متعجب است. نگاهی به زخم خود می‌کند. از درد می‌نشیند. کتاب را کنار دستش زمین می‌گذارد و پاهایش را دراز می‌کند و تکیه می‌دهد. «مریم» با عجله می‌رسد. دستمالی سفید به دست دارد که ظاهراً آغشته به چیزی است. بی‌مهابا پیش می‌رود تا پیراهن «هونسو» را بالا بزند. «هونسو» مانع می‌شود. «مریم» ناگهان گویی به خود آمده باشد، دستمال جلوی «هونسو» می‌گیرد و مرتب اشاره می‌کند که: «روی زخم‌ت بذار!» «هونسو» می‌گیرد. دگمه پیراهنش را آنگونه که ما و «مریم» نبینیم، باز می‌کند و محتاط پارچه را روی زخمش کی‌گذارد و ناله ای می‌کند. «مریم» به جای او دستپاچه و مستأصل است. نمی‌داند چه کند. به «هونسو» اشاره می‌کند که «بلندشو، بریم!». «هونسو» حیران به «مریم» خیره است.

## مریم

بلند شو! بلند شو بریم! *Stand up!*

هونسو

.....

مریم

*Clinic!* (کلینیک)

(«هونسو» سر تکان می دهد که «نه! نیازی نیست.» «مریم» ، لجباز تکرار می کند.)

مریم

*Clinic! Hospital!* (کلینیک! بیمارستان!)

هونسو

.....

مریم

(بلندتر و عصبی تر! با دست اشاره می کند.)

د پاشو دیگه! مگه این چیزا شوخیه؟ پاشو!

(«هونسو» کودکانه و ترسیده بلند می شود و می ایستد. «مریم» به راه می افتد. می- ایستد و در می یابد که «هونسو» از جای خود تکان نخورده است. «مریم» کلافه به طرفش می رود، دستش را می گیرد و می کشد. همزمان نگاهش به کتاب «هونسو» که روی زمین است می افتد که متلاشی و منهدم گوشه ای اقتاده. نگاهی به خود «هونسو» و نگاهی به کتاب خودش می کند. لحظه ای مکث می- کند. کتاب خود را به طرف «هونسو» می گیرد. «هونسو» معنی کار «مریم» را نفهمیده. «مریم» دوباره مصرانه کتاب خود را در مقابل چشمان «هونسو» تکان



می دهد که یعنی «بگیر!» «هونسو» کتاب را می گیرد. «مریم» کتاب «هونسو» را بر  
می دارد و به زیر بغل می زند.

مریم

*Mine!*

(«مریم» لبخندی می زند؛ «هونسو» نیز. گرچه لبخندش توأم با درد است. صدای  
همان زن در فضا می پیچد که دوباره اعلام می کند:)

صدا

*Attention Please! Break Time is over.*

(«مریم» و «هونسو» نگاهی به هم می کنند. «مریم» نگاهی به ساعتش می کند.  
لحظه ای مردّد می ماند. سپس رو به «هونسو» می کند و مصمّم اعلام می کند:)

مریم

*Clinic!*

(هر دو از صحنه خارج می شوند. صدای زن در فضای خالی صحنه مان می پیچد  
که دوباره تمام شدن وقت استراحت را اعلام می کند.....)

## صحنه دوم

### فرهنگ نامها

## Dictionary of Names

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می شود که بی شباهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست؛ و متعاقب آن از بلندگو شنیده می شود که زنی اعلام می کند:

(

### صدا

## **Attention Please! Break Time, Twenty Five Minutes!**

(توجه کنید. زمان تفریح بیست و پنج دقیقه!)

(نور بر صحنه گشوده می شود و همزمان «هونسو» وارد شده، در حالیکه سیگاری روشن می کند، به طرف دیوار می رود. او باز به همان کنج خلوت بی ادم آمده. کتابش - کتابی را که از «مریم» گرفته بود - را زیر بغل دارد. ردی از درد صحنه قبل به چهره ندارد. تکیه می دهد. چپ و راست را با نگاه می کاود. خبری نیست. پکی به سیگار می زند و نگاهی به ساعتش می کند. «مریم» وارد می شود. آنها یکدیگر را می بینند. «هونسو» به سرعت سیگارش را خاموش می کند. به هم لبخند می زنند. «مریم» نزدیکتر می آید. «هونسو» بلافاصله با اشاره به پهلویش چیزی می گوید:)

هونسو

*Thanks! Again!* (متشکرم! دوباره!)

مریم

(خجل سر تکان می دهد.)

*It doesn't Matter!* (چیز مهمی نیست!)

هونسو

*Thanks!*

(«هونسو» متوجه کتاب درب و داغان زیر بغل «مریم» می شود و زیر خنده می زند. در خلال خنده هایش - که «مریم» را هم می خنداند - مدام کتاب سالم خودش و کتاب فرسوده و منهدم - اما ترمیم شده - «مریم» را نشان می دهد. هردو پا به پای هم، نرم و مداوم، می خندند. خنده ها فروکش می کنند. از آسمان صحنه دو سه پر پرنده، پایین می ریزد. «هونسو» آسمان را می نگرد. «مریم» نیز.)

هونسو

*Birds! I love Birds!* (پرنده ها! من عاشق

پرنده هام)

مریم

.....

(«هونسو» پرها را از زمین بر می دارد و لای کتابش می گذارد. «مریم» خیره به «هونسو» نگاه می کند.)

مریم

*Emperor!*

(«هونسو» نا فهمیده به «مریم» نگاه می کند و سر تکان می دهد که یعنی: «چی؟!»)

(

مریم

*Emperor!*

هونسو

.....

مریم

بابا تو از معلم پرسیدی و نتونست جواب بده! اون

نفهمید چیو می پرسه ... من فهمیدم ...

هونسو

(کلافه قطع می کند)

*What?!* (چی؟!)

(«هونسو» با خنده اشاره ای می کند که چیزی نمی فهمد. «مریم» هم خنده ای

می کند.)

مریم

(به زحمت سعی می کند، چیزی بگوید.)

*You asked teacher. He misunderstand!*

(تو از معلم پرسیدی. او اشتباه می فهمه!)

## امپراتور و آنجلو

«مریم» که می‌بیند همچنان «هونسو» درست در نیافته بلند می‌شود و ژستی می‌گیرد. همچون یک «امپراتور». «امپراتور»ی که در ذهن «مریم» معنی می‌شود! او همزمان با گرفتن این فیگور که بیشتر «هونسو» را می‌خنداند زیر لب تکرار می‌کند.

### مریم

امپراتور! همینو پرسیدی دیگه! *Emperor!*

(همزمان تصویری از یک «امپراتور» - ترجیحاً کهن و سیاهپوست - می‌بینیم که روی دیوار، میان «هونسو» و «مریم» می‌افتد. «هونسو» شکفته و شاد و بلند می‌شود و تأیید می‌کند.)

### هونسو

*Yes! Yes!* (آره! آره!)

### مریم

(شاد تکرار می‌کند)

*Emperor! Emperor!*

*Yes! That's it!* (آره خودشه!)

(«مریم» در تداوم بازیش، امپراتوروار گام می‌زند و این سو و آن سو می‌رود.)

### مریم

*I am Emperor!* (من یک امپراتور هستم!)

### هونسو

(تکرار می‌کند.)

*Emperor!*

مریم

*Emperor!*

(«مریم» لحظاتی روی تصویرِ روی دیوار رفته، آن را می‌پوشاند و مخدوش می‌کند.)

مریم

*I am an Emperor!*

(«مریم» و «هونسو» مدام در حال تکرارند و شاد از کشف (!) و خندان، بازی را ادامه می‌دهند. لحظه ای «هونسو» منطبق بر تصویرِ امپراتورِ روی دیوار قرار می‌گیرد و «مریم» در حالیکه با فیگور یک امپراتور در حال حرکت است مقابل - و نزدیک - «هونسو» می‌ایستد؛ رخ در رخ و نفس به نفس:)

مریم

*You are ..... an Emperor.* (تو ..... یک

امپراتوری.)

(«مریم» و «هونسو» نگاهشان در هم تلاقی می‌کند. تصویر روی دیوار محو می‌شود. آنها خیره به هم و بی حرکت ایستاده اند)

مریم

(زیر لب)

*You ... are ....* (تو ... هستی ....)

هونسو

(پرسان به خودش اشاره می‌کند.)

*Emperor?!* (امپراتور!؟)

مریم

(سرتکان می دهد که یعنی «بله!»)

.....

(پس از لحظاتی، نگاه از هم می دزدند و فاصله می گیرند. «مریم» خجیل با سرفه ای گلو صاف می کند. نگاهی به ساعتش می کند. بیخودانه و به فارسی تکرار می کند.)

**مریم**

هنوز پنج دقیقه از زنگ تفریح مونده!

**هونسو**

(با نگاهی پر از پرسش به «مریم» خیره می شود.)

.....

**مریم**

(به ساعتش اشاره می کند.)

*Five Minutes!*

(«هونسو» هم ساعتش را نگاهی می کند و تأیید می کند.)

**هونسو**

(ناگهانی و بلند)

*What's your Name?* (اسمت چیه؟)

**مریم**

*Maryam!* («مریم»!)

**هونسو**

*Maria?* («ماریا؟»)

**مریم**

*Maryam! Maryam Behnejad!* («مریم»)

(«مریم به نژاد!»)

**هونسو**

(به زحمت تکرار می‌کند.)

*Mar ... yam ... Behneja ... d!*

**مریم**

(رفته رفته غم صدایش را می‌پوشاند.)

آره. «مریم به نژاد». ایرانی. مقیم عراق. دانش آموز  
بزرگسال مدرسه آموزش زبان رایگان تو کالیفرنیا.  
اوکلند. بی پناه. تو یناهگاههای کلیسا می‌خوابم.  
مطمئنم تو هم عین خودمی. همونجا دیدمت. تو شلتر!  
(sheltr). از جهنم در رفتم و دنبال کس و کار  
شوهرمم! ولی پیداشون نمی‌کنم.

(در خلال کلمات «مریم»، «هونسو»، مبهوت و گیج به «مریم» خیره است.  
سکوت می‌شود. «مریم» که چشمانش به نم نشسته است بر می‌گردد و «هونسو»  
را می‌نگرد. «هونسو» ما حاصل دریافتش از حرفهای «مریم» را بله‌وار تکرار می-  
کند.)

**هونسو**

*Maryam Behnejad!*

(«مریم» لبخند تلخی می‌زند و سر تکان می‌دهد به نشانه تأیید؛ سپس به «هونسو»  
اشاره می‌کند که او نیز خودش را معرفی کند. «هونسو» به خودش اشاره می‌کند



که یعنی «من؟!». «مریم» تأیید می‌کند. «هونسو» آغاز می‌کند و بی‌آنکه خود بخواهد رفته رفته کلامش به غم می‌نشیند:

### هونسو

*I am "Honso Theron". African. From "Rowanda". Student of Adultschool. For free. "Oakland". Intermediate Level. I sleep in shelter. I have no one. Any one. No body. Nothing. No.*

(من «هونسو ترون» هستم. آفریقایی. از «رواندا». دانش آموز مدرسه بزرگسالان. رایگان. «اوکلند» لول متوسط. من تو پناهگاه می‌خواهم. هیچ کسی رو ندارم. هیشکی. هیچ کی. هیچی. نه!)

### هونسو

*Thanks! Again!*

(«مریم» به خنده می‌افتد. «هونسو» از لای کتابش دو پر، از پرهایی که دقایقی پیش از زمین برداشته بود، بر می‌دارد و روی شانه‌های «مریم» می‌گیرد.)

### هونسو

*You are not "Maryam". You are an Angel!*

(تو «مریم» نیستی. تو فرشته ای!)

(«مریم» نگاهی به پرها می‌کند و خجل می‌خندد.)

### هونسو

*Gurdian Angel!* (فرشته نگهبان!)

مریم

(لبخند می زند.)

.....

هونسو

*Angel!*

مریم

.....

هونسو

*Angello!*

(«مریم» بلندتر می خندد. سرخوش است. «هونسو» نیز.)

هونسو

*You are Angello for me!* (تو برای من

«آنجلو»یی!)

مریم

(نازمنده)

*And you are Emperor for me!* (و تو برای

من «امپراتوری»!)

(به هم لبخند می زنند. صدای همان زن در فضا می پیچد.)

صدا

*Attention Please! Break Time is over!*

(آنها بی اعتناء به هم خیره اند.....)

## صحنه سوم

روزی روزگاری سینما

*Once upon a time, Cinema*

---

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می شود که بی شباهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست و متعاقب آن از بلندگو شنیده می شود که زنی اعلام می کند (:

**صدا**

***Attention Please! Break Time Twenty Minutes!***

(توجه کنید! زمان استراحت بیست دقیقه!)

(نور بر صحنه گشوده می شود. «هونسو» وارد می شود؛ در حال تورق کتابش. متعاقب او «مریم» وارد می شود. غرق دنیای خود و کتاب است. در آستانه ورود به صحنه می ایستد و بلند کتابش را می خواند.)

**مریم**

*Penny and Kate are Leaving the Cinema. They have just seen an old Movie and they are talking about it ...*

(«پنی» و «کیت» در حال ترک سینما هستند. آنها یک

فیلم قدیمی دیده اند و درباره اش حرف می زنند ...)

(«مریم» در خود و غرق در خاطراتی لذتبخش کتابش را پایین می آورد و بالذت تکرار می کند:)

مریم

سینما!

(«هونسو» به او نگاہی می کند.)

مریم

*I love Cinema, Emperor!* (من عاشق

سینما امپراتور!)

هونسو

(لبخندی می زند و به خود اشاره می کند.)

*Me too!* (منم همینطور!)

(«مریم» با تعجب به «هونسو» می نگرد.)

مریم

*You?!!* (تو؟!!!)

(«هونسو» به نشانه تأیید، سر تکان می دهد.)

مریم

(خوشحال)

واقعاً؟!!

هونسو

*I love Cinema!*

مریم

باورم نمی شه تو اونجا سینما رفته باشی یا فیلم دیده باشی.

هونسو

(نافهمیده می خندد و سر تکان می دهد که «چی؟»)

.....

مریم

*I ... Can't Believe!* (باورم ... نمی شه!)

هونسو

*I Love Movies!* (من عاشق فیلمم!)

مریم

*Great!* (عالیه!) چه جور فیلمهایی؟

*What kind of...?*

هونسو

(فکر می کند.)

.....

مریم

(بیخودانه؛ بی آنکه مخاطبی داشته باشد.)

من که دیوانه فیلمهای عشقی‌ام!

**هونسو**

(زیر لب در حال فکر)

*What Kind of ... ?*

(اینک هر دوی آنها در دوسوی دیوارند و رو به ما، در حال فکر و مرور  
خاطرات. هریک کتاب خود را به دست دارند.)

**مریم**

(خیره)

اسماشونو بگو!

**هونسو**

*What?*

**مریم**

*Say Names!*

**هونسو**

(پس از کمی فکر - قاطع)

*Guess Who's Coming to dinner!* (حدس

بزن چه کسی برای شام می‌آید!)

(هر کدام از فیلمهایی که نام می‌برند، لحظاتی از آنها را روی دیوار خواهیم دید.  
«اسپنسر تریسی» و «کاترین هپبورن» برای نخستین بار با نامزد سیاهپوست  
دخترشان مواجه شده‌اند!)

مریم

اوه آره. حدس بزن کی برای شام میادا! من ... اوم ...

*Love at the Afternoon!* (عشق در بعد

ازظهر)

(«گری کوپر» سوار بر قطار دور می‌شود و «آدری هیپورن» به دنبال قطار و او

می‌دود. در نهایت «گری کوپر» دست «هیپورن» را می‌گیرد و سوار می‌کند.)

هونسو

*Amistad* (آمیستاد)

(برندگان سیاهپوست کشتی «آمیستاد» شورش را آغاز می‌کنند.)

مریم

*Irma La Douce* (ایرما خوشگله)

(«شرلی مک لین» با لباس عروس در کلیسا منتظر است. «جک لمون» (داماد)

دوان و با تأخیر خود را به او می‌رساند. کشیش عقد آنها را می‌خواند.)

هونسو

*Driving Miss Daisy* (رانندگی برای خانم

«دیزی»)

(«مرگان فریمن» - راننده سیاهپوست - در حال رانندگی است و «جسیکا تندی»

روی صندلی عقب نشسته. آنها مشغول بحث با یکدیگرند.)

مریم

*Roman Holiday* (تعطیلات رومی)

«آدری هیپورن» کنار «گریگوری پک» در حال تماشای مردمان شهر بستنی قیفی می خورد! «گریگوری پک» محو اوست.

### هونسو

*The Great white hope* (امید بزرگ سفید)

«جیمز ارل جونز» خسته و زخمی روی رینگ بوکس دو دستش را بالا می برد. او فاتح سیاهپوست قهرمانی بوکس جهان است.

### مریم

*Casablanca* (کازابلانکا)

«همفری بوگارت» در فرودگاه از «اینگرید برگمن» جداحافظی می کند. به چشمان «برگمن» نم نشسته است.

### هونسو

*True Crime* (جنایت واقعی)

«کلینت ایست وود» در سلول «آیزایا واشینگتن» با او دیدار کرده است و محکوم سیاهپوست به «ایست وود» می گوید که اشتباهی رخ داده است و او بی گناه است.

### مریم

*Gone With the Wind* (بر باد رفته)

«ویویان لی» گریان از «کلارک گیبل» می خواهد که بماند. او همواره «رت» را دوست داشته است.

### هونسو



*Orfeu Negro* (اورفه سیاه)

«برنو ملو» راننده سیاهپوست تراموا، گریان پای جنازه دختر محبوبش زار می-زند.

مریم

.....

هونسو

.....

«هر دو در خوردند و به نظر غمگین». «مریم» زیر لب نام فیلمی دیگر را به زبان می-آورد.

مریم

*The Manchurian Candidate* (کاندیدای

منچوری)

«دنزل واشینگتن» تصاویری گذرا از جنگ آمریکا و عراق را به یاد می-آورد. به چشمان «مریم» نم نشسته است.

هونسو

*Blood Diamond* (الماس خونین)

عده ای سیاهپوست با لباس نظامی، بیرحمانه به سیاهپوستهای دیگر - غیر نظامی - شلیک می-کنند و با شکنجه آنها را اسیر می-کنند. زنان و کودکان جیغ می-کشند و مردی - «جیمون هونسو» - به دنبال زن و فرزند خود مستأصل این سو و آن سو می-دود. به چشمان «هونسو» نم نشسته است.

## مریم

*Three kings* (سه سلطان)

«جرج کلونی» و همراهانش شاهد صحنه‌هایی مخوف از جنگ آمریکا و عراق هستند. ... «مریم» گریان است.

## هونسو

*Hotel Rowanda!* (هتل رواندا)

(کامیونها از کنار اجساد مردمان سیاهپوست که چون ریگ بر زمین ریخته‌اند عبور می‌کنند ... «هونسو» گریان است.

تصاویر دو فیلم اخیر، پارالل، در هم برش خورده‌اند و پخش می‌شوند؛ «هونسو» و «مریم» هر دو سر به زیر افکنده و در خود گریه می‌کنند. صدای زن در فضا می‌پیچد که پایان زنگ تفریح را اعلام می‌کند.

## صدا

*Attention Please! Break Time is over!*

(آن دو گریانند و تصاویر دو نسل کشی همچنان در حال پخش.)

## صحنه چهارم

### قاعده بازی

### *The game rule*

---

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می شود که بی شباهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست و متعاقب آن از بلندگو شنیده می شود که زنی اعلام می کند  
:)

صدا

### ***Attention Please! Break Time Fifteen Minutes!***

(توجه کنید! زمان تفریح پانزده دقیقه!)

(نور بر صحنه گشوده می شود. «مریم» غمین و محزون گوشه ای کز کرده نشسته و زانو به بغل گرفته است. کتابش را کنار دست دارد و به افق پیش رویش خیره است. «هونسو» با سیگاری روشن وارد می شود و متوجه غم و بهت «مریم» می شود. پیش می رود. می ایستد. صدایش می زند.)

هونسو

Angello!

مریم

.....

هونسو

Angello!

مريم

.....

هونسو

(کنارش می نشیند)

*Hey Angello!*

مريم

(زیر لب، آنگونه که می توان شنید!)

*Emperor!*

هونسو

*What's up?* (چی شده؟)

مريم

(سر تکان می دهد که یعنی «هیچ»!)

هونسو

*Come on! What's up?* (بگو دیگه! چی

شده؟)

مريم

(بی حوصله)

گفتم هیچی نشده دیگه!

هونسو

*What?*

مریم

*Nothing.* (هیچی)

هونسو

*You look so sad.* (آخه خیلی به نظر غمگین

میای.)

مریم

(زیر لب)

غمگین نباشم؟

هونسو

.....

مریم

چطور نباشم؟

(ناگهان، گریان و بی امان خود را بیرون می ریزد.)

خسته شدم. هیچ کس نمی دونه کجان! من به امید  
اونها اومدم تو این خراب شده. دوتا برادر و یه عموی  
شوهرم، همینجا بودن. تو او کلند. الآن هیشکی نمی -  
دونه کجان. شوهرم و بچه هام مُردن. تو جنگ  
آمریکا و عراق مُردن. همه امیدم به این چند نفر بود.  
نیستن! هیچ جا نیستن! تا کی می تونم تو شلترهای بی  
اسم و رسم بخوابم؟ می فهمی؟ تو نمی فهمی! من هیچ  
کسو ندارم. نیستن! خدایا!

(«مریم» بلند می‌گیرد. «هونسو» مستأصل به او خیره است و بله‌وار جمله اش را تکرار می‌کند.)

**هونسو**

*You look so sad!*

**مریم**

(در فروکش گریه هایش)

*My Family is dead. I can't Find anyone to protect me. I can't Find My husband's Relatives.*

**هونسو**

(بلند و قاطع)

*I protect you!* (من حمایت می‌کنم.)

**مریم**

(لبخندی مهربان به «هونسو» می‌زند.)

.....

**هونسو**

*I protect you! I am your Emperor!*

(من حمایت می‌کنم! من امپراتور توام!)

(«هونسو» دست «مریم» را می‌گیرد و بلند می‌کند.)

**هونسو**

*Don't worry! Be happy!* (نگران نباش!)

(خوشحال باش)

مریم

(لبخندی می زند؛ بی رمق)

.....

هونسو

*Yes. Smile!* (آره لبخند بزن!)

مریم

به چه امیدی؟!

هونسو

*Don't be sad.* (غمگین نباش!)

مریم

به چه امیدی؟!

هونسو

*You said; I'm your Emperor.* (تو گفتی؛

امپراتور منم!)

مریم

*Yeah!*

(سر تکان می دهد به نشانه تأیید!)

هونسو

*And you are my Angello!* (و تو «آنجلو» ی

منی!)

**مریم**

(سر تکان می دهد به نشانه تأیید!)

.....

**هونسو**

*That's it!* (خودشه!)

*That's Enough!* (همین کافیه!)

**مریم**

(سر تکان می دهد به نشانه تأیید!)

.....

**هونسو**

*Say something!* (چیزی بگو!)

**مریم**

(بی رمق - در مرز انهدام!)

چی بگم؟

**هونسو**

*Say something!*



مریم

(در آستانه گریه)

تو این کلاس هنوز بهمون نگفتن «قربانی» به انگلیسی  
چی می شه!

هونسو

What?!

مریم

(به گریه می افتد.)

«قربانی!» «قربانی!» به انگلیسی چی می شه!؟

(او گریان به زانو می افتد و تمام دردهای جهان را گریه می کند! همزمان  
تصاویری از جنگ آمریکا و عراق و کشتار غیر نظامیان بر دیوار می افتد. «مریم»  
پیشانی بر خاک می ساید و گریان است و «هونسو» خیره به تصاویر دیوار - می -  
توان به جای تصاویر مستند از بخشهایی از فیلم «سه سلطان» "Three Kings"  
استفاده کرد؛ گرچه تصاویر مستند در این خصوص مفیدترند. - تصاویر تمام  
می شوند. «هونسو» به نرمی کنار «مریم» می نشیند. «مریم» هنوز گریه می کند.  
«هونسو» خسته خود را رها می کند.)

هونسو

*I am sacrifice too!* (منم یه «قربانی» هستم.)

مریم

(گریه اش را فرو می خورد.)

.....

هونسو

*A really Sacrifice!* (یه «قربانی» واقعی!)

هونسو

*My Family is dead too.* (خانواده منم مردن!)

مریم

(زیر لب کلمه کشف شده اش را تکرار می کند.)

*Sacrifice!*

هونسو

*I`m alone!* (من تنهام!)

مریم

(زیر لب تکرار می کند)

قربانی!

هونسو

*Totally alone!* (مطلقاً تنها!)

(مکث)

*I`m a Totsi man.* (من «توتسی» هستم! از قبیله

توتسی!)

مریم

از قبیله «توتسی»؟

هونسو

*Every one is dead!* (همه مردن!)

*Hoto men killed one milion of us!*

(مردان قبیله «هوتو» یک میلیون نفر از مارو کشتند.)

*1994! Rowanda was bath of Blood.*

( 1994! رواندا حمام خون بود! )

*Nobody helped us!* (هیچ کسی به دادمون

نرسید!)

مریم

(با خود - آرام)

از ۹۴ تا حالا ... زخم تو کهنه تره! شاید حتی خوب

شده باشی! ولی من چی؟

(«هونسو» گریان سر به زیر می افکند. همزمان با شمشیر و تفنگ و گلوله، قبیله «توتسی» را قتل عام می کنند، بر دیوار می افتند. - می توان به جای تصاویر مستند از بخشهایی از فیلم «هتل رواندا» اثر «تری جورج» استفاده کرد. - «مریم» به تصاویر دیوار خیره است. تصاویر تمام می شوند. «هونسو» با چشمانی خیس سر بلند می - کند. آن دو - هردو - رو به ماتشسته اند.)

هونسو

*We are lonely!*

مریم

آره ما تنهائیم!

هونسو

امپراتور و آنجلو

*We are Sacrifices of a ridiculuos  
game.*

مریم

قربانیهای یه بازی مسخره!

هونسو

*We have eachother here!*

مریم

(با بغض)

ما فقط همدیگرو داریم. تواین غربت!

هونسو

*I'm your Emperor!*

مریم

تو امپراتور منی!

هونسو

(بغض آلود)

*And you`re my Angello!*

مریم

(بغض آلود)

و من «آنجلو»ی تو!

هونسو

And ...

مریم

.....

هونسو

*And we can't speak English that  
much!*

مریم

و انقدرم انگلیسی مون خوب نیست!

هونسو

*But we're on the way!*

مریم

ولی ... بالاخره ... یاد می گیریم.

(صدای همان زن در فضا می پیچد که پایان زنگ تفریح را اعلام می کند.)

صدا

***Attention Please! Break time is over!***

(آن دو، کتابهایشان را دوباره به دست می گیرند. اما هنوز به ما خیره اند و  
چشمانشان به نم نشسته است.)

صحنه پنجم

تمرین زبان خارجی

**Foreign Language Exercises**

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می شود که بی شباهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست و متعاقب آن از بلندگو شنیده می شود که زنی اعلام می کند  
:)

صدا

**Attention Please! Break Time Ten Minutes!**

(توجه کنید! زمان استراحت ده دقیقه!)

(نور بر صحنه گشوده می شود «مریم» و «هونسو» را می بینیم که با کتابهایی باز به دست مشغول تکرار جملاتی ساده برای آموزش زبان انگلیسی هستند؛ در عین حال این جملات حاکی از پیشرفت آنها در آموزش زبان هستند.)

هونسو

*Let me introduce my Friend Angello!*

(اجازه بده دوستم «آنجلو» رو معرفی کنم.)

مریم

*Glad to see you. And let me introduce  
my Friend Emperor!*

## امپراتور و آنجلو

(از دیدنتون خوشحالم و اجازه بدید دوستم «امپراتور»  
رو به شما معرفی کنم.)

**هونسو**

*Where are you from?*

**مریم**

*I'm Iranian; But From Iraq. I was  
living there.*

(من ایرانی‌ام. اما از عراق اومدم. اونجا زندگی می-  
کردم.)

**هونسو**

*I'm African. From Rowanda.*

(من آفریقایی‌ام. از رواندا.)

**مریم**

*Which flat do you live in?*

( تو کدوم آپارتمان زندگی می کنی؟ )

**هونسو**

*I don't live in Flat!*

*I live in shelter!*

(من در آپارتمان زندگی نمی‌کنم. من تو پناهگاه  
زندگی می‌کنم.)

مریم

*Me too!* (منم همینطورا!)

هونسو

*How is the weather?* (هوا چطورہ؟)

مریم

*It's a rainy day!* (بارانیہ!)

هونسو

*What awful weather we're having!*

(چه هوای بدی داریم!)

مریم

*What Date is it?* (چه تاریخہ؟!)

هونسو

*It is March 2007.* (مارچ ۲۰۰۷ئہ)

مریم

*And we are learning language to live  
in a foriegn country!*

(و ما داریم زبان یاد می گیریم تا در یک کشور بیگانه  
زندگی کنیم.)

هونسو

*To find Peace and Calm.*



(برای یافتن صلح و آرامش.)

مریم

صلح و آرامش. یعنی می شه؟

هونسو

What?

مریم

(سر تکان می دهد که یعنی «هیچی»!)

.....

هونسو

Can i help you? (می تونم کمکت کنم؟)

مریم

Of course, If you want!

(البته، اگه بخوای!)

هونسو

How? (چه طوری؟)

مریم

Let`s talk about feelings.

(بذار درباره اینکه چه حسی داریم حرف بزنیم.)

هونسو

*Go ahead!* (باشه.)

مریم

*I feel .... exhausted.* (من هیجان زده‌ام!)

هونسو

*Me too!* (منم همینطور!)

مریم

*I feel Dizzy!* (سرم گیج می‌ره!)

هونسو

*Me too!*

مریم

*I feel ... hot!* (گرممه!)

هونسو

*Me too!*

مریم

*I feel Crazy!* (دارم دیوونه می‌شم!)

هونسو

*Me too!*

مریم

*I feel .... youth.* (حسّ می‌کنم جوونم!)

هونسو

*Me too!*

مریم

*And naughty!* (و شیطان!)

هونسو

*Me too!*

مریم

*I feel ..... love!* (من عشقو حسّ می کنم!)

هونسو

.....

مریم

.....

هونسو

*Me too!*

مریم

واقعاً عشقو حسّ می کنم ولی ... هنوز ... هه! ....

انگلیسی م انقدر خوب نیست!

هونسو

*Me too!*

مریم

(به خنده می افتد.)

*What?!*

**هونسو**

(شانه بالا می‌ندازد که یعنی «هرچی تو بگی!»)

**مریم**

*Me too!*

(هر دو به خنده می‌افتند. «هونسو» کتابش را باز می‌کند.)

**هونسو**

(خیره به کتاب)

*I think I should go tomorrow!*

(فکر کنم فردا باید برم!)

(«مریم» لحظه ای گیج، «هونسو» را نگاه می‌کند. «هونسو» هنوز به کتاب خود

خیره است. «مریم» صفحات کتابش را ورق می‌زند.)

**مریم**

*What page?* (کدوم صفحه؟)

**هونسو**

.....

**مریم**

معلوم هست چی داری می‌گی؟ چه صفحه ای رو

می‌خونی؟

هونسو

.....

مریم

*Repeat again!* (تکرار کن! بگو!)

هونسو

*I think I should go tomorrow.*

(«مریم» کتابش را می‌بندد. به طرف «هونسو» پیش می‌رود. می‌ایستد.)

مریم

فردا کجا باید بری؟

(«هونسو» سر بلند می‌کند و «مریم» را می‌نگرد.)

مریم

با توام!

هونسو

(کتابش را می‌بندد)

*For Justice!* (برای عدالت!)

مریم

عدالت؟ .... *What justice?*

هونسو

(به زخمش اشاره می‌کند و پهلویش را نشان می‌دهد.)

*Thanks. Again!*

مريم

(بي حوصله)

خيلي خب. چندبار مي خواي بخاطر اون تشكر كني؟!

(ناگهان گويي چيزي به ذهن «مريم» مي رسد.)

*Waite a minute! ... .. نكنه ... ..*  
*what was it? .....* اون زخم مال چي بود؟ ....  
*tell me!*

هونسو

*We are not just niggers. Understand?*

(ما كا كاسياه نيستيم! مي فهمي؟)

مريم

خب؟!

هونسو

*I can't, ... to ...* (من نمي تونم تحمل كنم كه ...)

مريم

خب فهميدم. كا كاسياه نيستين! نمي توني تحمل كني!

*What?!* چيو؟!

هونسو

*A black guy need help. I will help him.  
He`s African Sacrifice. Just like me!*

مریم

کیه؟ اون سیاھی رو که ازت کمک می‌خواد، من  
می‌شناسم؟ تو شلتر دیدمش؟ *Who is he?*

هونسو

(سری تکان می‌دهد به نشانه نفی!)

.....

مریم

چرا بهم نمی‌گی؟

هونسو

*What difference dose it make?*

(چه فرقی می‌کنه؟)

مریم

(بلند)

لابد فرق می‌کنه که می‌گم!

هونسو

*An African alone black guy!*

مريم

.....

هونسو

.....

مريم

(به پهلوئ «هونسو» اشاره مي کند.)

اگه دوباره زخمي شد چي؟

هونسو

*Thanks again!*

مريم

چي داري مي گي؟ .... *It's dangerous*

هونسو

*I should go!* (بايد برم!)

مريم

*Why?* (چرا؟)

هونسو

*Because ... I'm Emperor, not slave!*

(چون ... من امپراتورم، نه برده!)

مريم



(نگاه گریانش را از «هونسو» می دزدد.)

.....

**هونسو**

*Angello!*

**مریم**

(به زحمت بغضش را فرو می خورد اما به «هونسو» نگاه نمی کند.)

*Take care your self Emperor!*

(مواظب خودت باش امپراتور!)

(«هونسو» سر تکان می دهد که «حتماً!» سپس به سرعت برای اینکه فضا را عوض کند کتابش را باز می کند و بلند اعلام می کند.)

**هونسو**

*And next lesson!* (و اما درس بعدی!)

(صدای همان زن در فضا می پیچد که پاین زنگ تفریح را اعلام می کند.)

**صدا**

***Attention Please! Break time is over!***

(«هونسو» گیج به صدا گوش می دهد. «مریم» با دست صورتش را می پوشاند.)

صحنه ششم

در انتظار امپراتور

*Waiting for Emperor*

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می شود که بی شباهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست و متعاقب آن از بلندگو شنیده می شود که زنی اعلام می کند:)

صدا

**Attention Please! Break Time five Minutes !**

(توجه کنید! زمان تفریح پنج دقیقه!)

(نور که بر صحنه گشوده می شود، «مریم» را می بینیم که کتابش را زیر بغل دارد و با مقداری باند سفید و شیشه ای ماده ضد عفونی کننده به انتظار است. او بی تاب و رنگباخته به چپ و راست می رود. ساعتش را نگاهی می کند و چپ و راست دور صحنه را با چشمان ریز شده اش از نظر می گذراند. ظاهراً خبری نیست. او بی تاب است. پرنده ای از آسمان صحنه می گذرد. چند پر از بالا بر کف صحنه فرو می افتند. نگاه «مریم» به پرها خیره می ماند. به طرفشان می رود. می نشیند و بر می دارد و لای کتابش می گذاردشان. بلند می شود. باز شروع به قدم زدن می کند. باز هم خبری نیست. صدای همان زن شنیده می شود که پایان زنگ تفریح را اعلام می کند:)

صدا

**Attention Please! Break Time is over!**

«مریم» نگاهی به ساعتش می‌کند و لحظه‌ای به حرفهای زن توجه می‌کند. سر تکان می‌دهد. گیج و بی‌طاقت و خسته است. او بی‌اعتناء به هر چیزی دیگری، با وسایل پانسمان، چشم به راه ایستاده است.

**نور می‌رود ...**

(در تاریکی صدای زنگی شنیده می‌شود که بی‌شبهت به صدای زنگ مدرسه و اتمام کلاس نیست و متعاقب آن از بلندگو شنیده می‌شود که زنی اعلام می‌کند:

**صدا**

**Attention Please! Today we have no Break time!**

(توجه کنید! امروز وقت تفریح نداریم.)

**نور می‌آید**

(صحنه خالی است و دیوار کهنه‌تر به نظر می‌رسد و سطل زباله کاملاً پر است و در آن درست بسته نشده. پرنده‌ای از آسمان صحنه می‌گذرد و چند پر بر کف صحنه می‌ریزد ..... کسی نیست.....)

ایوب آقاخانی

تابستان ۸۶